



### چکیده سر مقاله‌های قبل:

در شماره ۱۱۵ ابتدا به بحث اصلاح الگوی مصرف پرداخته و برداشتهای مختلف از این موضوع بیان شد. سپس فرایند اصلاح الگوی مصرف تحت عناوین استاندارد سازی، فرهنگ سازی، تعیین الزامات قانونی، اجرا و پیگیری، اعمال باز خورد، مورد بحث قرار گرفت.

در شماره ۱۱۶ بیان شد که عناوین استاندارد سازی مصرف، تعیین الزامات قانونی، اجرا و پیگیری، و

اعمال بازخورد در برنامه‌ها معمولاً جنبه حکومتی داشته و سیستمهای دولتی باید بدان بپردازند؛ اما فرهنگ سازی که یکی از حلقه‌های بسیار مهم در فرایند اصلاح الگوی مصرف می‌باشد، تلاش همه سازمانهای تاثیر گذار در فرهنگ را می‌طلبد.

در ادامه با توجه به تاثیر بسیار جدی روحانیون در امر فرهنگ سازی و اهمیت پرداختن آنان به این موضوع، سعی شد با طرح مباحثی

دارند از دیگران عقب نمانند؛ از اینرو با مشکلات بسیار زیادی رو برو می‌گردند.

برخی هم تصور می‌کنند اگر توکل بر خداوند باشد نیاز به تدبیر در مخارج زندگی نیست؛ بلکه باید خرج کرد و خداوند هم روزی را تامین می‌کند؛ در حالیکه دستورات دینی ما بر تقدیر در معیشت تاکید کرده و الگوی مناسب مصرف در مخارج زندگی را بی تدبیری و خرج بی حساب نمی‌داند.

از امام صادق علیه السلام نقل گردیده:

«كَمَالُ الْمُؤْمِنِ فِي ثَلَاثِ خِصَالٍ تَقْوَاهُ فِي دِينِهِ وَ الصَّبْرَ عَلَى النَّائِبَةِ وَ التَّقْدِيرَ فِي الْمَعِيشَةِ؛ فراگیری کمال مؤمن در سه خصلت است: علم دین، شکیبائی بر مصیبت‌ها و اندازه گیری در مخارج زندگی.»

همچنین از امام رضا علیه السلام نقل شده

است که فرمودند:

۱. بحار الانوار، علامه مجلسی، مؤسسه الوفاء، بیروت، ۱۴۰۴ ه. ق، ج ۱، ص ۱۸۶.

تحت عناوین ذیل به مبلغان بزرگوار کمک شود:

الگوی مصرف و منابع دینی، لغت اسراف، لغت تبذیر، تفاوت اسراف و تبذیر، واژه اسراف در قرآن، واژه تبذیر در آیات، اسراف در خوراک، مخارج زندگی، رفاه خانواده، اعتدال در هزینه‌ها، متغیرها در الگوی مصرف و در این شماره به ادامه مباحث می‌پردازیم.

#### مدیریت مخارج زندگی

اداره عاقلانه زندگی، از مهم‌ترین عوامل سعادت و موفقیت بشر می‌باشد. توجه به مقدار درآمد، اولویت بندی در نیازهای زندگی و سعی در هزینه درست درآمد در نیازها بر اساس اولویتها، می‌تواند تا حد زیادی مشکلات زندگی را کاهش داده سعادت افراد خانواده و حتی جامعه و کل کشور را تضمین نماید.

عده‌ای بی حساب خرج می‌کنند، هر چه را در زندگی دیگران می‌بینند آرزو کرده، به دنبال دست یابی به آن بی رویه اقدام می‌کنند. همیشه دوست

### مخارج الزامی زندگی

یکی از مسائل بسیار مهم که از سویی برای مردم تبیین نگردیده و از سوی دیگر کسانی هم که از این تکلیف دینی مطلع هستند در عمل به آن در حد گسترده‌ای کوتاهی کرده‌اند، حدود وظیفه تأمین مخارج زندگی است. مردم ما معمولاً تأمین مخارج زن و فرزندان که در خانه با آنها زندگی می‌کنند را وظیفه خود می‌دانند؛ ولی والدین نسبت به فرزندان که تشکیل خانواده داده‌اند، هیچ احساس تکلیفی ندارند؛ در حالی که آموزه‌های اسلام نسبت به تأمین مخارج زندگی این افراد تأکید دارد.

اگر همه افراد در تهیه ما یحتاج زندگی این افراد تلاش کنند و همه خانواده‌ها سعی کنند همدیگر را پشتیبانی کنند؛ بدین صورت که اگر پدر و مادر توانایی دارند وظیفه بدانند که فرزندان خود را تأمین کنند و اگر فرزندان توانایی دارند پدر و مادر خود را تأمین کنند، بخشی از فقر اجتماعی مرتفع خواهد گردید؛ زیرا غالباً فقر

اداره عاقلانه زندگی، از مهم‌ترین عوامل سعادت و موفقیت بشر می‌باشد. توجه به مقدار درآمد، اولویت بندی در نیازهای زندگی و سعی در هزینه درست درآمد در نیازها بر اساس اولویتها، می‌تواند تا حد زیادی مشکلات زندگی را کاهش داده سعادت افراد خانواده و حتی جامعه و کل کشور را تضمین نماید.

«يَنْبَغِي لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يَنْقُصَ مِنْ قُوْتِ عِيَالِهِ فِي الشِّتَاءِ وَيَزِيدَ فِي وَقُوْدِهِمْ؛ سزاوار است که مؤمن از غذای خانواده‌اش در زمستان بکاهد و بر هیزم آنان بیافزاید.»

۱. الکافی، کلینی، دارالکتب الاسلامیه، تهران،

عجیب آنکه اول پدر و مادر نام برده شده است و بعد از آنها فرزند و در نهایت همسر مطرح گردیده، در حالی که امروزه مردم خود را بیش از هر چیز مکلف به تامین همسر می‌دانند.

#### اموال امانت

انسانها در زندگی اموالی را بدست می‌آورند و با دو نوع بینش از آنها استفاده می‌کنند. نوع بینش آنان در چگونگی استفاده از اموال تأثیر فوق العاده‌ای دارد.

۱. افرادی که اموال تحصیل شده را از آن خود دانسته، بر این باورند که با فکر، اندیشه و زحمت خود، آن داراییها را بدست آورده‌اند؛ از اینرو خود را صاحب بلا منازع آن اموال می‌دانند. قرآن مجید این نوع تفکر و نگرش را در یکی از قصص خود به زیبایی بیان کرده است. قارون که مردی ثروتمند است و در زمان حضرت موسی علیه السلام زندگی می‌کند، به دلیل نوع

پدر و مادر و یا فرزندى دارند که می‌توانند آنان را اداره کنند و مشکلات مادیشان را برطرف نمایند.

در این مورد روایت بسیار زیبایی از امام صادق علیه السلام نقل گردیده که آن حضرت فرمودند:

«خَمْسَةٌ لَا يُعْطُونَ مِنَ الزَّكَاةِ شَيْئًا  
الْأَبُ وَالْأُمُّ وَالْوَالِدُ وَالْمَمْلُوكُ وَالْمَرْأَةُ  
وَذَلِكَ أَنَّهُمْ عِيَالُهُمْ لَأَزْمُونَ لَهُ»<sup>۱</sup> به پنج دسته نباید چیزی از زکات پرداخت کرد: پدر، مادر، فرزند، غلام و کنیز، و همسر؛ زیرا این افراد عیال فرد بوده، تأمین زندگی آنان بر او لازم است.

در روایت دیگری نقل شده که راوی از امام صادق علیه السلام سؤال کرد:

«مَنْ الَّذِي أُجْبِرُ عَلَيْهِ وَتَلْزَمُنِي  
نَفَقَتُهُ»<sup>۲</sup> چه کسی بر من وظیفه و الزام شده که نفقه او را تأمین کنم؟

آن حضرت پاسخ دادند:

«الْوَالِدَانِ وَالْوَالِدَةُ وَالزَّوْجَةُ»<sup>۳</sup> پدر و

مادر و فرزندان و همسر.

۱. همان، ج ۳، ص ۵۲۲.

۲. وسایل الشیعة، شیخ حر عاملی، مؤسسه آل البیت، قم، ۱۴۰۹ هـ. ق. ج ۲۱، ص ۵۲۵.

۳. الکافی، ج ۴، ص ۱۳.

الْقُرُونِ مَنْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُ قُوَّةً وَ أَكْثَرُ جَمْعًا»<sup>۲</sup> «آنچه به من داده شده، در خور دانش من بوده است. آیا ندانسته است که خدا پیش از او نسلهایی را هلاک کرده که قوتشان از او افزون‌تر و شمارشان بیشتر بوده است؟»

این نوع جهان بینی تا آنجا انسان را در کنار اموال نگه می‌دارد که همانند قارون با همه اموال در دل خاک فرو می‌رود؛ اما همچنان در حفظ آنها می‌کوشد.

۲. در مقابل اینها گروه دیگری هستند که نگرش متفاوتی دارند. اینها اموال را امانتی در اختیار می‌بینند که تصرف در آن منوط به رضایت صاحب مال که خداوند است می‌باشد. این نگاه در لسان روایات ما به وضوح دیده می‌شود.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«إِنَّمَا أَعْطَاكُمْ اللَّهُ هَذِهِ الْفُضُولَ مِنَ الْأَمْوَالِ لِتُوجَّهَوهَا حَيْثُ وَجَّهَهَا اللَّهُ وَ لَمْ يُعْظِكُمْوهَا لِتَكْتَنِزُوهَا»<sup>۳</sup> خداوند برای این

نگرش خود، در مقابل آن حضرت می‌ایستد. آن حضرت به او می‌گوید:

«وَ ابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَ لَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَ أَحْسِنَ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ وَ لَا تَبْغِ الْفَسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ»<sup>۴</sup> «در آنچه خدایت به تو ارزانی داشته، سرای آخرت را بجوی و بهره خویش را از دنیا فراموش مکن. و هم چنان که خدا به تو نیکی کرده نیکی کن و در زمین از پی فساد نباش که خدا فسادکنندگان را دوست ندارد.»

در اینجا حضرت موسی علیه السلام از او می‌خواهد که با توجه به توانمندی مالی به دیگران احسان کند و خود هم حظی از ثروت را داشته باشد؛ اما او از پذیرش سر باز می‌زند و علت این سر پیچی را که بیان می‌کند نشان دهنده نوع نگاه او به داراییهای انسانی می‌باشد.

قارون پاسخ می‌دهد که:

«إِنَّمَا أُوتِيْتُهُ عَلَىٰ عِلْمٍ عِنْدِي أَوْ لَمْ يَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ قَدْ أَهْلَكَ مِنْ قَبْلِهِ مِنَ

۲. قصص / ۷۸.

۳. الکافی، ج ۴، ص ۳۲.

۴. قصص / ۷۷.

اموال زیادی را به شما عطا فرموده تا به آن طرف که خداوند جهت داده شما مصرف نمایید؛ نه آنکه آنها را ذخیره سازید.»

در روایت دیگری از امام صادق علیه السلام نقل شده که به ابان بن تغلب فرمودند:

«أَتَرَى اللَّهَ أَغْطَى مَنْ أَغْطَى مِنْ كَرَامَتِهِ عَلَيْهِ وَ مَنَعَ مَنْ مَنَعَ مِنْ هَوَانٍ بِهِ عَلَيْهِ لَأَ وَ لَكِنَّ الْمَالُ مَالُ اللَّهِ يَضَعُهُ عِنْدَ الرَّجُلِ وَ ذَائِعٌ وَ جَوَزٌ لَهُمْ أَنْ يَأْكُلُوا قَصْدًا وَ يَشْرَبُوا قَصْدًا وَ يَلْبَسُوا قَصْدًا وَ يَنْكَحُوا قَصْدًا وَ يَرْكَبُوا قَصْدًا وَ يَهْوُوا بِمَا سِوَى ذَلِكَ عَلَى فَقَرَاءِ الْمُؤْمِنِينَ وَ يَلْمُوا بِهِ شَعَثَهُمْ فَمَنْ فَعَلَ ذَلِكَ كَانَ مَا يَأْكُلُ حَلَالًا وَ يَشْرَبُ حَلَالًا وَ يَرْكَبُ وَ يَنْكَحُ حَلَالًا وَ مَنْ عَدَا ذَلِكَ كَانَ عَلَيْهِ حَرَامًا ثُمَّ قَالَ لَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ أَتَرَى اللَّهَ أَتَمَّنَ رَجُلًا عَلَى مَالِ حَوْلٍ لَهُ أَنْ يَشْتَرِيَ قَرَسًا بِعَشْرَةِ آلَافِ دِرْهَمٍ وَ يُجْزِيَهُ قَرَسٌ بِعِشْرِينَ دِرْهَمًا وَ يَشْتَرِيَ جَارِيَةً بِآلْفِ دِينَارٍ وَ يُجْزِيَهُ بِعِشْرِينَ دِينَارًا وَ قَالَ وَ لَا تُسْرِفُوا

إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ؛ آیا اینگونه می‌اندیشی که اگر خداوند به کسی چیزی عطا کرد از کرامت خداوند بر او، و اگر به او نبخشید از روی بی‌اعتنایی به اوست. نه، چنین نیست؛ بلکه مال از آن خدا است که نزد افراد به امانت قرار می‌دهد و خداوند به او اجازه داده است که در حد اعتدال بخورد و در حد اعتدال بپوشد و در حد اعتدال ازدواج کند و در حد اعتدال مرکب اختیار کند و غیر از آن را به فقراء مؤمنین برگرداند و امور آنان را اصلاح کند. پس کسی که چنین کند، آنچه می‌خورد حلال است و می‌نوشد حلال است و مرکب سوار می‌شود حلال است و ازدواج می‌کند حلال است و غیر از آن برای او حرام است. سپس فرمود اسراف نکنید که خداوند مسرفین را دوست ندارد.

آیا اینگونه می‌اندیشی که خداوند مالی را نزد کسی به امانت قرار داده و او را مختار قرار داده که اسبی را به ده

می‌رویند که صرفاً برای استفاده از مال و دارایی و سوء استفاده از آنها به آنها جذب می‌شوند. این افراد مصداق بارز مگسانی گرد شیرینی می‌باشند که تا پول هست چاکر و مریدند؛ اما همین که مشکلی پیش آمد، همگی به او پشت خواهند کرد. در این‌باره این افراد و سرنوشت آنان روایت بسیار زیبایی از امیرالمؤمنین علیه السلام وارد شده که ذیلاً نقل می‌شود.

«أَتَى أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ رَهْطٌ مِنَ الشَّيْخَةِ... مَنْ كَانَ فِيكُمْ لَهُ مَالٌ فَأَيَّاهُ وَالْفَسَادَ فَإِنَّ إِعْطَاءَهُ فِي غَيْرِ حَقِّهِ تَبْذِيرٌ وَإِسْرَافٌ وَهُوَ يَرْفَعُ ذِكْرَ صَاحِبِهِ فِي النَّاسِ وَيَضَعُهُ عِنْدَ اللَّهِ وَلَمْ يَضَعْ أَمْرُؤُ مَالَهُ فِي غَيْرِ حَقِّهِ وَعِنْدَ غَيْرِ أَهْلِهِ إِلَّا حَرَمَهُ اللَّهُ شُكْرَهُمْ وَكَانَ لِيَغْيِرَهُ وَدُهُمْ فَإِنَّ بَقِيَّ مَعَهُ مِنْهُمْ بَقِيَّةٌ مِمَّنْ يُظْهِرُ الشُّكْرَ لَهُ وَيُزِيلُهُ النَّصْحَ فَإِنَّمَا ذَلِكَ مَلَأَ مِنْهُ وَكَذِبٌ فَإِنَّ زَلَّتْ بِصَاحِبِهِمُ النَّعْلُ ثُمَّ اِخْتِاجَ إِلَى مَعُونَتِهِمْ وَمُكَافَأَتِهِمْ فَأَلَامَ خَلِيلَ وَشَرُّ حَدِيثٍ وَلَمْ يَضَعْ أَمْرُؤُ مَالَهُ فِي غَيْرِ حَقِّهِ وَعِنْدَ غَيْرِ أَهْلِهِ إِلَّا لَمْ يَكُنْ

هزار درهم بخرد. در حالی که اسب بیست درهمی او را کفایت می‌کند و کنیزی را به هزار دینار می‌خرد، در حالی که بیست دیناری او را کفایت می‌کند و فرمود اسراف نکنید، خداوند اسراف گران را دوست ندارد.

با توجه به روایاتی که مطرح شد، به خوبی می‌توان در یافت، اموالی که در اختیار ثروتمندان قرار دارد، امانتی است که از سوی حق ندارند بیش از حد اعتدال، و اسراف گرانه از آن استفاده کنند و از سوی دیگر باید مازاد آن را در اختیار فقراء قرار دهند. اگر چنین بینشی در بین در صدی از مردم هم وجود داشت، هرگز فقیری در جامعه یافت نمی‌شد.

#### عواقب تبذیر و اسراف

انگیزه‌های کسانی که به اسراف و تبذیر رو می‌آورند بسیار است؛ لیکن از شایع‌ترین آنها به رخ کشیدن دارایی، چشم و هم چشمی، معروف شدن به دست و دل بازی و مشهور شدن در بین مردم است. معمولاً اطراف چنین انسانهایی عده‌ای

تشکر و خیر خواهی برای او می‌کنند، اینان تملق کرده، دروغ می‌گویند. پس اگر روزی پای این شخص (بخشنده مال) لغزید، و بر اثر پیش آمد روزگار نیازمند یاری ایشان شد، پس آنان دشمن‌ترین دوست، و ملامت‌کننده‌ترین یار برای او می‌باشند.

هیچ کس مالش را در غیر حق و نزد افراد نااهل قرار نمی‌دهد مگر آنکه هیچ سودی بجز تحسین انسانهای پست و تمجید اشرار به او نخواهد رسید تا زمانیکه بر سر خوان سفره‌اش بهره می‌برند، و گفته انسانهای جاهل او را بخشنده نمی‌کند در حالیکه او نزد خداوند بخیل است. پس چه سودی زیانبار تر از این سود است و چه فایده معروفی کم‌تر از فایده این معروف است. پس هر کس مالی دارد با آن صلہ رحم کند، به نیکویی دیگران را اطعام کند و... رستگاری با چنین خصلتهایی مکارم دنیا و شرف آخرت است.»

لَهُ مِنَ الْحَظِّ فِيمَا أُتِيَ إِلَّا مَخْصَدَةَ اللَّتَامِ وَ قَتَاءَ الشَّرَارِ مَا دَامَ عَلَيْهِ مُنْعِمًا مُفْضِلًا وَ مَقَالَةَ الْجَاهِلِ مَا أُجُودَةً وَ هُوَ عِنْدَ اللَّهِ بِخَيْلٍ قَائٍ حَظُّ أَبُوؤُ وَ أَحْسَرُ مِنْ هَذَا الْحَظِّ وَ أَىُّ فَائِدَةٍ مَعْرُوفٍ أَقْلٍ مِنْ هَذَا الْمَعْرُوفِ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ لَهُ مَالٌ فَلْيَصِلْ بِهِ الْقَرَابَةَ وَ لِيُحْسِنْ مِنْهُ الضِّيَاقَةَ ... فَإِنَّ الْفَوْزَ بِهَذِهِ الْخِصَالِ مَكَارِمُ السُّبُتِيَا وَ شَرَفُ الْآخِرَةِ؛<sup>۱</sup> عده‌ای از شیعیان خدمت امیرالمؤمنین علیه السلام رسیده [و سخنانی مطرح گردید که در ادامه امام علیه السلام فرمودند:] هر کس از شما مالی دارد از فساد پرهیزد؛ زیرا بخشیدن مال به کسی که حق او نباشد، تبذیر و اسراف است که نام صاحبش را در بین مردم بالا می‌برد و نزد خداوند پست می‌سازد. هر کس دارایی خود را بی‌جا صرف کند و به نااهلش ببخشد، خداوند از سپاسگزاری آنها محروم می‌گردد. آنان به جای او، دیگری را به دوستی خواهند گرفت و اگر افرادی برای او باقی بمانند که همچنان اظهار